

بسم الله الرحمن الرحيم

نام و نام خانوادگی : ام کلثوم جمالی فشی (طلبه سطح سه رشته فقه و اصول)

موضوع: ادله شیعه بر عدم حجیت قیاس

خوزستان ، بندر امام خمینی (ره) ، مدرسه علمیه امام خمینی (ره)

چکیده

عنوان پژوهش، بررسی حجیت قیاس از دیدگاه شیعه و سنی است. قیاس از نظر لغوی به معنای اندازه گیری ، مساوات و برابری است و در اصطلاح فقه و اصول؛ سرایت دادن یک حکم شرعی است از موضوعی به موضوع دیگر که مشابه آن است به دلیل شباهت آن دو در علت حکم. اصولیان اقسام بسیاری را برای قیاس ذکر کرده اند اما قیاس مورد بحث، قیاس ظنی فقهی است و با توجه به تعریف قیاس ارکان و عناصری برای قیاس به دست می آید که عبارتند از: اصل و فرع و علت و حکم. فقهای شیعه همچون اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قیاس را انکار کرده و عمل به آن را حرام دانسته اند و این مسأله را از ضروریات مذهب شیعه می دانند. ابو حنیفه مؤسس مذهب حنفی «رأس قیاسیین» بود، بعد از او فرقه ی مالکی و شافعی نیز کم و بیش به حجیت قیاس معتقد شدند. فرقه های طرفدار قیاس در حجیت آن آنقدر مبالغه کردند که با وجود اجماع، نتایج حاصل از قیاس را بر آن رجحان دادند. حنبلی ها قیاس را آخرین راه چاره می دانند و حتی معتقدند که قیاس در مقابل نص باطل است.

درآمد

در مذهب شیعه، قیاس به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی محسوب نمی شود، بلکه منابعی که علمای شیعه به آن اعتماد می کنند بر عدم حجیت قیاس دلالت دارند.

شیخ طوسی (ره) می فرماید:

«ما برای منع از استعمال قیاس در شریعت دو طریق داریم:

طریق اول، زمانی که جواز عبادت با قیاس از جهت عقل ثابت شود، پس در این هنگام ثبوت عبادت با قیاس نیاز به دلیل شرعی دارد که ما دلیلی در شرع نداریم که دلالت کند بر این که استعمال قیاس جایز است؛ نه از جهت کتاب و نه از جهت سنت و نه از جهت اجماع؛ زیرا ما بر اساس استقراء علم پیدا کردیم که دلیلی بر وجوب عمل به قیاس وجود ندارد.

طریق دوم، ما معتقدیم که در شرع دلایلی بر منع از عمل به قیاس داریم که قوی ترین آن ها اجماع طایفه ی شیعه است و اجماع آن ها حجت است؛ زیرا کاشف از قول معصوم (علیه السلام) است و این اجماع بر ابطال قیاس و منع از استعمال است و احدی نمی تواند با این اجماع معارضه کند زیرا امام معصوم (علیه السلام) از جمله ی این اجماع کنندگان است.»^۱

صرف نظر از اجماع امامیه بر عدم حجیت قیاس ظنی و این که به جهت استقراء دلیلی بر الزام عمل به قیاس وجود ندارد.^۲ مهم ترین دلیل عدم حجیت قیاس ظنی عمومات قرآنی است که از پیروی ظن نهی می کند و نیز روایات است که به طور خاص از عمل به قیاس منع کرده است.

^۱ . محمد بن حسن ، طوسی ، العده فی اصول الفقه، ج ۲ ، ص ۶۶۶ و ۶۶۷ .

^۲ . جعفر بن حسن ، حلی (محقق حلی) ، معارج الاصول، ص ۱۸۸ .

آیاتی که علمای شیعه برای عدم حجیت قیاس به آن ها استناد می کنند دو دسته اند: آیاتی که بر عدم نیاز به منابع ظنی مستقل از قرآن دلالت دارند و آیاتی که بر عدم اعتبار ظن دلالت دارند^۳، آیات هر یک از دو دسته ی مذکور به تفصیل بیان خواهد شد و چگونگی استدلال شیعه به این آیات نیز در ادامه خواهد آمد.

۴-۱-۱- آیات دال بر عدم نیاز به منابع ظنی مستقل از قرآن

بعضی از آیات قرآن دلالت دارند بر این که نیازی به منابع ظنی مستقل از قرآن مانند قیاس وجود ندارد از جمله :

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است بر تو نازل کردیم.»^۴

« مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ ما هیچ چیزی را در کتاب فروگذار نکرده ایم.»^۵

«وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ؛ در مورد هر چیزی اختلاف پیدا کردید حکم آن پیش

خداست.»^۶

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را برایتان کامل

کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را بر شما به عنوان آیین برگزیدم.»^۷

« وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛ هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن ثبت

^۳. جز آنچه با دلیل یقینی حجیت آن ثابت شود مانند خبر واحد معتبر که جزیی از سنت است و سنت در حقیقت مستقل از قرآن نیست چرا که تبیین آن است.

^۴. سوره نحل (۱۶)، آیه ۸۹.

^۵. سوره انعام (۶)، آیه ۳۸.

^۶. سوره شوری (۴۲)، آیه ۱۰.

^۷. سوره مائده (۵)، آیه ۳.

است.^۸»

از این آیات شریف استفاده می شود که در کتاب خدا اصول و قواعد کلی بیان شده است لذا در شناخت احکام حوادث واقعه نیازی به منابع ظنی و مستقل از قرآن مانند: قیاس و استحسان نمی - باشد، به دلیل این که مجتهد با به کار گرفتن اصول احکام و قواعد کلی آن می تواند در برابر پدیده ها و حوادث واقعه پاسخگو باشد زیرا با بازگشت دادن فروع تازه به اصول پایه و تطبیق عام بر مصادیق خارجی پاسخ آن ها داده می شود.^۹

علامه حلی (ره) می فرماید :

« از این آیات فهمیده می شود که کتاب مشتمل بر همه ی احکام است و هر چه در کتاب نیست

حق نیست ، پس هر چه قیاس بر آن دلالت کند و حکمش با قیاس به دست آید اگر با کتاب ثابت

شود در حقیقت ثابت شده ی به وسیله ی کتاب است نه قیاس و اگر در کتاب وجود ندارد باطل

است.^{۱۰}»

۴-۱-۲- آیات دال بر عدم اعتبار ظن

بعضی از آیات قرآن دلالت دارند بر این که ظن اعتبار ندارد و عمل به آن جایز نیست، از جمله:

^۸ . سوره انعام (۶) ، آیه ۵۹ .

^۹ . محمدابراهیم، جناتی شاهرودی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص ۲۸۸.

^{۱۰} . حسن بن یوسف ، حلی (علامه حلی) ، نهاییه الوصول الی علم الاصول ، ج ۳ ، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، بی تا، صص ۵۳۹ ، ۵۴۰.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده

اید در برابر خدا و پیامبرش پیشی مجوید و از خدا پروا کنید که خدا شنوای داناست.^{۱۱}؛ با توجه به این

آیه معلوم می شود قول به قیاس «تقدیم بین یدی الله» است که آیه

از آن نهی کرده است.^{۱۲}

«إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالْإِسْوَءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می دهد

تا بر خدا چیزی را که نمی دانید بر نندید.^{۱۳}؛ قول به قیاس «قول علی الله بما لا يعلم» محسوب می شود

که نهی شده از آن.^{۱۴}

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً؛ چیزی را که به آن علم

نداری دنبال نکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.^{۱۵}؛ قول به قیاس «اقتفاء

ما لیس به علم» محسوب می شود که آیه نهی کرده از آن.^{۱۶}

«وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ؛ و اگر

از بیشتر کسانی که در زمین می باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می - کنند، آنان جز از گمان

پیروی نمی کنند و جز به حدس و تخمین نمی پردازند.^{۱۷}»

^{۱۱}. سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱.

^{۱۲}. حسن بن یوسف، حلی (علامه حلی)، نهایی الوصول الی علم الاصول، ج ۳، ص ۵۳۹.

^{۱۳}. سوره بقره (۲)، آیه ۱۶۹.

^{۱۴}. حسن بن یوسف، حلی (علامه حلی)، نهایی الوصول الی علم الاصول، ج ۳، ص ۵۳۹.

^{۱۵}. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۶.

^{۱۶}. حسن بن یوسف، حلی (علامه حلی)، نهایی الوصول الی علم الاصول، ج ۳، ص ۵۳۹.

^{۱۷}. سوره انعام (۶)، آیه ۱۱۶.

به خوبی از حدیث ابان می توان فهمید که در برابر نص قطعی که دلالت و سند آن هیچ گونه خدشه ای نداشته باشد، ادله ی دیگر اعتباری ندارد حتی اگر آن دلیل، اولویت عقلی یا سایر مستقلات عقیده باشد. زیرا نص شرعی معصوم (علیه السلام) که دلالت صریح و سند قطعی داشته باشد بر حکم عقلی در امور شرعی تبعدی تقدم و اولویت دارد و معیار قرار دادن عقل برای سنجش صحت احادیث در امور تبعدی شرعی باعث از بین رفتن دین می شود.^{۳۶}

امام (علیه السلام) ابان را به این جهت سرزنش می کند که چرا در امور تبعدی که هیچ راهی برای عقل بدون کمک شرع به حقیقت امور نیست، در برابر نص شرعی و بیان امام معصوم (علیه السلام) به قیاس می پردازد و عقل خود را معیار سنجش درستی یا نادرستی نص شرعی صحیح قرار می دهد، در صورتی که با وجود امام (علیه السلام) به قیاس می پردازد و عقل خود را معیار سنجش درستی یا نادرستی نص شرعی صحیح قرار می دهد، در صورتی که با وجود امام (علیه السلام) و گفته ی ایشان، جایی برای قیاس و عقل گرایی افراطی نیست.^{۳۷}

^{۳۶}. سیداحمد، میر خلیلی، فقه و قیاس، ص ۱۷۶.

^{۳۷}. سیداحمد، میر خلیلی، فقه و قیاس، ص ۱۷۶.

نتیجه گیری

دلالت آیات بر عدم حجیت قیاس به صورت عمومی است نه خصوصی؛ زیرا آیات به طور خاص دلالت بر عدم حجیت قیاس ندارند بلکه به طور عام از عمل به ظن نهی کرده اند به این صورت که دسته ای از آیات دلالت دارند بر اینکه نیازی به منابع ظنی نیست و دسته ای دیگر دلالت دارند بر اینکه منابع ظنی اعتبار و ارزشی ندارند.

احادیث درباره ی سرزنش کسانی که به قیاس عمل می کنند، در حد تواتر است و در کتاب های حدیثی شیعه با سند صحیح نقل شده اند، حتی امامان معصوم (علیهم السلام) کسانی را که به رأی و نظر باطل خویش عمل کرده اند و خود گمراه شده و دیگران را به گمراهی کشانده اند، نفرین کرده اند. این خود دلیل روشنی است بر این که عمل به قیاس در نظر اهل بیت (علیهم السلام) مردود است .

فهرست منابع

۱. برقی ، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن ، تصحيح و تعليق سيد جلال الدين حسيني، ج ۱، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۰ ش.
۲. حلی (علامه حلی) ، حسن بن يوسف ، نهايه الوصول الى علم الاصول ، ج ۳ ، قم: مؤسسه امام صادق (عليه السلام)، بی تا.
۳. طوسی، محمد بن حسن ، العده فی اصول الفقه ، تحقيق محمد مهدي نجف، ج ۲، بی جا: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) للطباعة و النشر، بی تا .
۴. جناتی شاهرودی، محمد ابراهيم، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامي، بی جا، بی تا، کتابخانه جامع فقه اهل بیت، (عليهم السلام) ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۸۸/۰۹/۲۹، ۲۵۴.
۵. کراچکی، ابو الفتح محمد بن علی بن عثمان، کنز الفوائد، چاپ دوم، قم: مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۹ ش.
۶. میر خلیلی، سید احمد، فقه و قیاس، چاپ دوم، تهران: سازما انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ، ج ۲ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۸. کلینی ، محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: دارالكتب الاسلاميه ، ۱۳۶۳ ش.
۹. حرعالمی، محمد بن حسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشریعه، تصحيح عبدالرحيم الرباني الشيرازی، ج ۱۲ و ۱۸ و ۱۹، چاپ پنجم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق

